

اینجا "سرزمین سوخته" ایران است. آیا باید جاوید شاه گویان، همچنان برای این "ویران سرا"، در خیابان ها زیر پرچم اسرائیل و امریکا رقصید و شادمانی کرد؟

امیرجواهری لنگرودی

a.javaher99@gmail.com



گُسیل جغد جنگ بر ایران در دل افسانه سرایی مذاکرات بی پایه هسته ای،
قدرت طلبان جنگ طلب در راس نظام اسلامی ایران که همواره جنگ
رانعمت می پنداشتند، در کنار قدرت مداران جنگ طلب خارجی "ترامپ و
نتانیاهو" تجاوز آشکار جنگ را در فضای خفقان و بسته، در کنار قطع ارتباط
اینترنتی برپیکره جامعه ماتحمیل کردند. در چنین هنگامه نابسامانی،
نوروز امسال با بوی بهار و سنبل، ماهی در تنگ آب بر سفره هفت سین جای

نگرفت. هلهله کودکان با لباس نوبرتن، راهی کوچه ها نشدند، بلکه سالی اندوهگین دردل مردم مضطرب و پریشان حال با عمونوروزی سیه پوش و غمین برپیکره جامعه ی خونین سراسر ایران ظاهر گردید.

روزشنبه اول فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۱ مارس ۲۰۲۶، در خیالم به فکر سال نوسرزمین مادری ام نشستم که توگویی بهار نیامد. بلکه سال نو، پشت دیواره خونین جنگ مانده و صدای پُر شماررانی می گویند: این همه ویرانی و خرابی سرزمین مان نه حاصل یاری «بشر دوستانه» به نشانه وصول «راه آزادی» و برابری نبوده، بلکه تنهاخانه خرابی و مرگ آفرینی و به جا گذاشتن سرزمینی سوخته برپهنه جغرافیای ایران را نشانه رفته است!

امسال نوروزی چلچله، بی سبزه و بنفشه، بلکه باغرش توفنده موشک های بالستیک، پهپادهای جنگنده و پروازریزگردها، خانه خرابی و ویرانی بر سر مردمان سراسر جامعه ما از راه رسید. نوروز با فریاد نه به جنگ، نه به هرگونه مداخله گری خارجی، نه به تمامیت نظام اسلامی ایران که برای بقای خویش همواره جنگ رانعت می پندارد، خودنمایی کرد. این نظام در سایه سیاست جنگ طلبی از فردای پیروزی قیام بهمن تا امروز نفس کشیده و حل من مبارز طلبیده تا مردم را از زبان اعتراض در مقابل سیاست جنگ طلبی اش بازدارد و جنگ را بسان نعمت شکست ناپذیر به ترجیح بند فضای خفقان و به سکوت و اداشتن مردمان معترض بنشانند.

چنانچه آماری که کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در ۱۲ مارس ۲۰۲۶ منتشر کرد آمده است: «... از زمانی که ایالات متحده و اسرائیل دو هفته پیش بمباران های خود را در ایران آغاز کرده اند، حدود ۳،۲ میلیون تن در داخل کشور آواره شده اند.

براساس ارزیابی‌های اولیه این گزارش، بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون خانواده ایرانی در نتیجه درگیری‌های جاری در داخل ایران به طور موقت آواره شده‌اند که معادل حداکثر ۲،۳ میلیون نفر است. مردمی که همواره از طرف جمهوری اسلامی تحت فشار و سرکوب بوده و هستند، امروز نیز با آوارگی ناشی از بمباران شدید امریکا و اسرائیل همچنان دست به گریبانند. (۱) همچنین برپایه آمار ارائه شده خبرگزاری هرانا از قول وزیر بهداشت آمده است: «در جنگ تحمیلی اخیر تا کنون حدود ۲۱۰ کودک به شهادت رسیده‌اند. تعداد مجروحان کمتر از ۱۸ تاکنون بالغ بر ۱۵۱۰ نفر بوده. به ۳۰۰ مرکز بهداشتی، درمانی و اورژانس از ابتدای جنگ تحمیلی آسیب وارد شده است» همین‌طور استاندار استان مرکزی گفت: «بیش از ۲۰ واحد صنعتی و ۹۰۰ منزل مسکونی در این استان تاکنون دچار خسارت شده‌ان» (۲) دیگر اینکه برپایه اظهارات رئیس مرکز اورژانس استان تهران اعلام کرد: «از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل تا این لحظه به ۴۳۰ نقطه در این استان حمله شده است.»

تخریب زندگی یک میلیون خانواده در کم‌تر از یک ماه، به نشانه سنگین ترین دستاورد «بشر دوستانه»، ترامپ و نتانیاهو برای "کمک به آزادی" ایران است و این جنگ تجاوزکارانه هنوز ادامه دارد و صدای رسا و گسترده‌ای برای توقف فوری جنگ و حملات نظامی در سراسر جهان وجود ندارد.... در این میان آنانی که جاوید شاه گوین برای بمباران ایران هورا می‌کشند و دریای تجاوز به ایران باشعار "ترامپ بزن" پایکوبی می‌کنند، در برابر مردم و تاریخ رسوا و بی اعتبار خواهند شد. باید یک سؤال ساده را جواب بدهند:

چطور می‌شود ادعای «نجات ایران» داشت اما از کشته شدن مردم بی‌گناه خوشحال شد، زیر پرچم اسرائیل و آمریکا در خیابان‌های اروپا، کانادا و آمریکا به رقص و پایکوبی نشست؟ کسی که به حمله خارجی و ویرانی

کشورش دل بسته، نه آزادی خواه است و نه ارجی به خاک وطن دارد. آتش سلاح های موشک هاوبمب ها، تنها ویرانه می آفریند و ایران را نجات نمی دهد بلکه خاکستروخون بیشتری برای مردم به جا می گذارد. جنگ طلبان قدرت طلب و خود فروختگان کاسبان جنگ در داخل، و در خارج از کشور چهره هایی همچون **مسیح علی نژاد** در گفتگو با سی ان ان (SNN)، خطاب به ترامپ گفت: «الان وقت عمل است»، مجری برنامه از او می پرسد: «در باب کشته شدن دانش آموزان میناب چی می گویی؟» او گفت ان را باید بگوئیم و افزود: «هر مادر ایرانی در تماس با من گفته که اگر جمهوری اسلامی بچه های ما را بکشد، باید پول بدهیم ولی اگر با بمباران کشته شوند پول نمی دهیم و بچه هامون را می گیریم!» (۳)، یکی نیست از این خانم "خون شوی مرگ طلب" بپرسد، وقتی حاکمیت ارتباط تلفن داخل کشور را به صفر رسانده اند که خانواده های درون کشور از همدیگری خبرند، چه شکلی این مادران از داخل ایران با تو ارتباط می گیرند؟ این نشان میدهد که سقوط این خانم ته ندارد، چرا که وقاحت هم باید حدی داشته باشد! **بعبارتی مسیح علی نژاد** با مرگ فروشی و تبلیغ مرگ مجانی توسط موشک های اسرائیل و آمریکا، او نوید مرگ مجانی رامی دهد، نگران پول گلوله نباشید، می توانید هر چند کیلو خون بریزید و کشته و جسد به جا گذارید به زبانی عطش به قدرت، می تواند فرد را چنان به فساد جعل خبر بکشاند که بدون هیچ شرمی پروپاگاندای کشتار شود. ببینید این پیام آوران مرگ از هرسو، چگونه دارند برای نتانیا هو و ترامپ دون می پاشند و هر یک شان سعی می کنند که از دیگری برای نوکری و چاکر منشی شان سبقت بگیرند. باید گفت: در برابر سازناچسب و تکراری "محور مقاومتی" ها، به هیچ شکل نباید فراموش کرد که جنگ، خصلت رژیم "خون، جنون، جنایت" ۴۷ ساله را ابدًا عوض نکرده است، این همان رژیم هست که پیشتر هم بوده و همچنان دستگیر و سرکوب و اعدام می کند و همچنان فضای رعب و وحشت را در کنار

غرش هواپیماهای جنگی که مردم بی دفاع، زیربمباران به گوش می شنوند، به جنایت خودش ادامه میدهد و با استفاده از موقعیت جنگی، آرام آرام معترضینی را که بیشتر شناسایی و نشان کرده، دستگیر و روانه سیاه چال هامیکند. لذا با صدای بلند اعلان می داریم: نباید در مخالفت با جنگ، مخالفت توامان ماباکلیت نظام اسلامی، ستیز و سازماندهی درون جامعه بر علیه آنان برای فروپاشی نظام به حاشیه رانده شود. جدال من و ما نه صرفاً با امپریالیسم، بلکه همه بنیان های تثبیت شده سرمایه داری در برابر توده فقرو نابسامان جامعه ما نیز باید همچنان در دستور کار مبارزه و مقاومت مان باشد... همه آنچه که در ایران زیر چکمه حاکمیت اسلامی جانبدار جنگ له می گردد، چه در ایران و چه در تل آویو و چه ایالات متحده آمریکا، دارند سلاح های خود از جیب مردم خرج می کنند تا به نام "رهایی" همان مردم بی دفاع، برای خود و چرخش خون ریز سرمایه داری لجام گسیخته، حقانیت بطلبند.

نمیتوان با جنگ، تهاجم و موشک باران به همه زیرساخت های جامعه، به مردم ایران فهماند که با مرگ کودکان، دانش آموزان، زنان و مردان بی دفاع، اسباب رهایی ایران از یوغ حکومت دینی جنگ طلب که جنگ را نعمت رزق و روزی و پاشنه آشیل حکومت مداری خویش از زمان خمینی تا به امروز در برابر مردم و خواسته های آنان بر خ کشیدند و بعد از پذیرش قطعنامه پایان جنگ هشت ساله با عراق، جام زهر را سر کشید و به فرمان دستخط او، هزاران هزار زندانی سیاسی اعدام و راهی گورهای جمعی خاوران های ایران گردیدند. اینگونه تهاجم جنگ طلبانه را دید و سود و زیان جامعه را در کوتاه مدت و دراز مدت آن در نیافت! طی هفته های گذشته به این سو، با اینکه بارها از موشک باران «نقطه زنی» به سران سپاه و فرماندهان نظامی، زدن های «هوشمندان» و پرهیز از تخریب زیر ساخت های کشور به دفعات صحبت کردند، آنجاکه با حمله موشکی به صنعت گاز و پتروشیمی ایران در نوزدهمین روز جنگ در منطقه صنعتی

عسلویه بنمایش گذاشته شد. عملاً به ارکان زندگی توده کارگران تهاجم شد. این حمله هدف جنگ اسرائیل و آمریکا را در برابر جهانیان کاملاً آشکار نمود. آن اینکه هدف تنها نابودی سران رژیم در ایران نیست. بلکه آنها به دنبال ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی و فروپاشی اجتماعی ایران و باقی گذاشتن سرزمین سوخته هستند. پارس جنوبی بزرگترین میدان گاز جهان است و ۷۰ درصد از مصرف گاز داخلی ایران را تأمین می‌کند. ویران سازی جزیره خارک نیز به بهانه درهم شکستن محاصره تنگه هرمز در مقابل بالارفتن قیمت نفت و تأثر آن در بازارهای نفتی جهان بوده است. عسلویه همچنین در دودهای گذشته به قلب صنعت پتروشیمی ایران تبدیل شده و بیش از ۴۰ درصد از کل محصولات پتروشیمی کشور را تولید می‌کند. عسلویه محصول زحمات کارگرانی است که در سخت‌ترین شرایط، تأسیسات گاز و پتروشیمی را ساختند و در سال‌های گذشته بارها برای حقوق از دست داده خویش، به پای اعتصاب و اعتراض رفتند.

در پی حمله اخیر در شرایطی که کارگران عسلویه در فازهای ۳، ۴، ۵ و ۶ میدان گازی پارس جنوبی، و واحد های صنعتی مشغول کار بودند با آتش بمباران و گازهای سمی روبه‌رو شدند و ساکنان این منطقه تا سال‌ها باید با عواقب زیست‌محیطی این جنگ زندگی کنند. باید گفت: حمله به عسلویه در کوتاه مدت، عواقب مرگباری دارد. چرا که با اقدام متقابل ایران، جنگ وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شود و چرخه‌ی خشونت با هدف قرار دادن صنایع نفتی گسترده‌تر خواهد شد.

حاصل کلام طرح این پرسش اساسی است: آیا بمب های آمریکائی- اسرائیلی با فروریختن بر سر کودکان دبستانی، بمباران مردم بی دفاع و نابودی آثار تاریخی بی بدیل کشور، دموکراسی و تکثرگرائی برای کشور به ارمغان خواهند آورد یا نه؟ فاز جدید حمله و تهاجم به زیرساخت‌های انرژی در عسلویه توسط اسرائیل که آمریکا خود را به نوعی بی‌خبر از این تهاجم معرفی کرد، نشانه‌ای آشکار از عزم مداخله گران جنگ طلب برای

نابودی همه‌جانبه ایران است. این تجاوز، ضربه‌ای سنگین به مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری وارد کرده است. بمب‌های آنان نه تنها نتوانسته‌اند تغییری در ساختار سیاسی رژیم ایجاد کنند، بلکه با کشتن تعدادی از مهره‌های آن، تنها هنرشان سلب عاملیت از جنبش‌های دادخواهی و مدفون کردن جنایات رژیم در زیر آوار بمباران‌ها بوده است. اکنون، با به خطر انداختن جان کارگران پالایشگاه‌ها، تحمیل گرسنگی و قحطی به مردم و فروپاشاندن اقتصاد بحران‌زده، از ناتوانی خود در تغییر رژیم انتقام می‌گیرند. مردم گرسنه و بی‌سرپناه را همچنان خانه خراب‌تر از گذشته نموده‌اند. فشار حداکثری به روزنامه نگاران، معلمان، فعالان جنبش دانشجویی و تهدیدات مکرر آنها، موج دستگیری‌ها را افزایش داده و نمونه‌های اعدام‌های روزهای جنگ در سطح شبکه‌های اجتماعی گزارش شده است. برفراز این فضا، خانم‌ها و آقایان سلطنت طلب حتی نمی‌توانند "سرزمین سوخته" را هم تحویل بگیرند. باری مردم ما در این هنگامه ناساز، روزگار پرتعب خود را در نوروزی دیگر آغاز کردند. باشد که سبزه و خرمی بهار با پایان یافتن جنگ و اعلان آتش بس، عرصه فعال مبارزه همه‌جانبه جنبش‌های اجتماعی را در هیکل سازماندهی نظم‌پذیر خویش برای رهایی از قید حاکمیت اسلامی و تسلط مردم بر زندگی خویش برای آزادی و برابری و رهایی همه زندانیان سیاسی، باگشایش درب‌های زندان‌های سراسر کشور هموار سازد.

چهارشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۵ مارس ۲۰۲۶

منابع:

(۱) - وبسایت مهاجرنیوز

<https://www.infomigrants.net/prs/post/70480>

(۲) - خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۱۴۰۵/۰۱/۰۳

<https://www.hra-news.org/2026/hranews/a-58047>

(۳) - گفتگوی سی‌ان‌ان با مسیح علینژاد

<https://www.instagram.com/reels/DWEXIu6iBpa>